

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه

برگردان: ا. م. شیری

دوم فیروزی ۲۰۱۲

آیا جنگ به خاطر نفت ایران به تعویق می افتد؟

چرا تشدید تنش پیرامون تنگه هرمز به سود امریکائی هاست.

باراک اوباما در پیام خود به کنگره امریکا، با اشاره به تشدید اقدامات برای قطع وابستگی کشور به واردات مواد مولد انرژی از خارج به طور مشخص گفت: «در طول سه سال اخیر ما اجازه حفاری در میلیونها هکتار معادن نفت و گاز را صادر کردیم. من به دولت خود دستور اکتشاف ۷۵ درصد منابع دریائی بالقوه مان را می دهیم». علاوه بر آن، او خاطر نشان کرد که واشینگتن از همه گزینه ها برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح اتمی استفاده خواهد کرد. از هر دوی این اظهارات این نتیجه منطقی حاصل می شود که مسأله جنگ ایالات متحده امریکا علیه ایران حل شده است. افزون بر آن، در تاریخ ۲۶ جنوری معلوم شد که امریکا در ماه مارچ یک گروه ناو هواپیمابر ضربتی به سرپرستی ناو هواپیمابر اتمی «انترپرایز» را به خلیج فارس گسیل خواهد داشت (موشکهای کروز و سه ناوشکن نیز جزو این گروه می باشند). بدین ترتیب، این سؤال پیش می آید که اگر مناقشه از فاز «سرد» به فاز «گرم» وارد شود، تأثیر آن بر بازار جهانی مواد مولد انرژی چگونه خواهد بود؟

برای یافتن پاسخ این سؤال ما (مطبوعات آزاد) به سرگئی پراواسودوف، مدیر انستیتوی انرژی ملی مراجعه کردیم.

– باید توجه داشت که شروع جنگ علیه ایران به نفع ایالات متحده امریکا نیست. مشکل بتواند به اساس سناریوی عراق عمل کند. اگر قرار بود امریکا به این کار دست بزند، ارتش خود را از عراق خارج نمی کرد. چرا که عراق بهترین پایگاه برای آغاز عملیات زمینی در ایران بود.

فکر می کنم امریکائی ها در تحریک ایران برای دست زدن به عکس العمل های تند، مثل بستن تنگه هرمز، ذینفع اند. امریکا با متقاعد کردن شرکای خود برای امتناع از خرید نفت ایران، سعی می کند ایران را به بن بست براند. زیرا، اقتصاد این کشور اساساً، به صادرات «طلای سیاه» وابسته است و منابع دیگری برای ادامه حیات ندارد. با

این وضع، برای اکثریت ایرانیان قابل درک نیست که چرا غرب علیه آنها متحد می شود. به آنها گفته می شود: شما برای ساخت سلاح اتمی تلاش می کنید. این در حالیکه که شمار زیادی از کشورهای جهان در همین سمت حرکت می کنند، اما هیچ کسی، به خصوص بدین شکل خشن، متعرض آنها نمی شود. همین پاکستان در همسایگی ایران سلاح اتمی در اختیار دارد. علاوه بر این، القاعده نیز از همان سالهای حضور نظامی اتحاد شوروی در افغانستان، در پاکستان حضور دارد و از حمایت دولت برخوردار است. اما چرا جامعه بین المللی هیچ گاه حتی فکر تحریم این کشور را به ذهن خود راه نمی دهد؟ واضح است که بازیهایی ربطی به خطر هسته ای ایران ندارد. همه اینها بهانه است.

«مطبوعات آزاد»- پس همه این بهانه گیریها به خاطر چیست؟

به نظر، یک دلیل ساده دارد. امریکائیهها صاحب قدرتمندترین نیروی دریایی در جهان هستند. این نیرو تقریباً تمام حمل و نقل دریایی جهان را کنترل می کند. طراحان استراتژی امریکا در زمانهای اخیر از این که بودجه بسیار هنگفت و سنگینی برای امور دفاعی تخصیص می یابد، آه و ناله می کنند. بودجه این کشور تقریباً مساوی با بودجه دفاعی تمام کشورهای جهان است. و این در حالیکه که بدهی خارجی هنگفت امریکا، تقریباً به ۱۶ تریلیون دلار سر می زند. بری اغلب صاحب نظران سیاسی امریکا این سؤال مطرح است که آیا این بیش از حد راهزنانه نیست که ما به عنوان ضامن عملکرد طبیعی تجارت دریایی جهان عمل می کنیم؟ آنها عقیده دارند، کشورهای امنیتی از امنیت تجارت دریایی بهره می برند، که بسیار خوب تحت پوشش ناوشکنهای امریکائی قرار می گیرند. یعنی، هزینه امنیت دریایی را امریکا می پردازد ولی، سودش را آنها می برند.

امریکا باید به دیگر کشور تفهیم نماید که برای برقراری امنیت باید هزینه کنند. به همین سبب، اینک برای آنها متجاوززی لازم است که به کشتیرانی جهانی حمله کند. وضعیت تنگه هرمز برای این کار بسیار مناسب است. ایرانی های بد، تانکرهای نفت را متوقف خواهند کرد و امریکائی های خوب، با هزینه معقول می توانند کشتی های دیگر کشورهای را از تنگه عبور دهند. این مثال خوبی برای آن خواهد بود که در قبال حراست از تهدیدات مختلف، چقدر به امریکائی ها خواهند پرداخت.

علاوه بر آن، تشدید هر گونه تنش پیرامون ایران، به نفع امریکاست. زیرا، هم موجب افزایش قیمت جهانی نفت خواهد شد و، هم، توسعه شیبست گاز و نفت، سنگهای زیستی را مقرون به صرفه خواهد ساخت که امریکا در داخل اضافه بر مصرف دارد. به طور کلی، توسعه شیبست نفت خیز، یکی از جهات اصلی توسعه بخش واقعی اقتصاد امریکا است. طبق ارزیابی تحلیلگران امریکائی، در سایه اجرای طرحهای این عرصه تا سال ۲۰۱۵ در امریکا ۸۷۰ هزار فرصت شغلی ایجاد خواهد شد. درآمد ناخالص این کشور ۱۱۸ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. اما برای این که همه این فعالیت موجب ضرر و زیان نشود، قیمت نفت باید افزایش یابد. حداقل ۱۰۰ دلار در هر بشکه.

همانطور که می بینید، امریکائیهها، با دامن زدن به تشنجات پیرامون ایران، بسیاری از مشکلات خود را حل می کنند، اما اروپائیهها و چینی ها با معضلات جدیدی مواجه می شوند. متحدان امریکا مجبوراند ضمن به مخاطره انداختن اقتصاد خود، با مواضع امریکا موافقت کنند. مثلاً، کشورهای جاپان ۱۷ درصد، ایتالیا ۱۰ درصد و کوریای جنوبی ۹ درصد نفت مورد نیاز خود را از ایران وارد می کنند.

«مطبوعات آزاد»- در عین حال، چین مخالفت شدید خود را با تحریم نفت ایران اعلام کرد. امریکا چقدر می تواند به مواضع کشوری که اقتصادش وابسته به آن است، بی اعتنائی کند؟

- در این وضعیت، عامل اصلی این است که موضع چین مشخص نیست. امریکائیاها بیش از هر کشوری به چین بدهکارند و اقتصاد آسمانی آن به سهم خود به شدت به نفت خاورمیانه وابسته است. تصور می کنم که امریکائیاها سعی می کنند بر سر وابستگی با چین معامله کنند. یعنی، ما تانکرهای شما را از تنگه هرمز عبور می دهیم و شما نیز از بدهی های ما کم کنید. واضح است که این معامله به نفع چینی ها نیست، ولی آنها چه عکس العملی نشان خواهند داد، هنوز معلوم نیست. (ترجمان ساده این گفته، یعنی، اینکه امریکا در نظر دارد نقش راهزنان دریائی سومالی را در تنگه هرمز ایفاء نماید. مترجم).

«مطبوعات آزاد»- در لیبیا هم منافع چین مطرح بود ولی امریکا این مسأله را در نظر نگرفت...

- در این وضعیت چین چکار می تواند بکند؟ خوب، اعتراض می کند. این اعتراضات برای امریکائیاها باد هواست. چین نمی تواند با امریکا بجنگد و حتی نمی خواهد. «اوراق بهادر» امریکا را وارد بازار کند؟ هر قدر که می خواهد. در مقابل، امریکا باز هم مثل همیشه تریلیونها دلار چاپ خواهد کرد. تصور می کنم که چین هنوز اهرمهای متناسبی برای تأثیرگذاری بر امریکا را در اختیار ندارد.

«مطبوعات آزاد»- تصور کنید، ما فرضیه شما را در مورد آن که امریکا در تشدید تنشها پیرامون ایران ذینفع است، به عنوان واقعیت مطلق می پذیریم. آیا می توان این ستراتی «ژاندارم بین المللی» را در هم شکست؟

- بلی، بی تردید. عوامل بسیار زیادی در خاورمیانه در هم تنیده و در اینجا بازیهای بسیار جدی با پولهای هنگفت، در هم گره خورده است. در چنین شرایطی، کل منطقه به کانون بی ثباتی تبدیل گردیده است. اگر یکی از بازیکنان کنترل بر اعصاب خود را از دست بدهد، این عصبانیت می تواند به فاجعه جهانی بینجامد. تصور پیامدهای آن وحشتناک است. مناقشه می تواند گسترش یابد و دیگر مناطق جهان را به کام خود بکشد.

«مطبوعات آزاد»- گمان می رود که قیمت بالای نفت، به سود روسیه باشد. ممکن است ما هم مثل امریکا، از بروز مناقشات جدید در خاورمیانه سود می بریم؟

- در ابتداء، البته! می توان درآمدهای فوق العاده از صادرات مواد انرژی به دست آورد. اما جنگ دراز مدت امریکا با ایران می تواند پیامدهای منفی برای روسیه در پی داشته باشد. اولاً- افزایش بهای نفت، یافتن منابع جایگزین برای تأمین انرژی را مقرون به صرفه خواهد ساخت و کشورهای پیشرفته به سرعت در این عرصه فعالیت خواهند کرد. ثانیاً- بی ثباتی ایران در همسایگی دیوار به دیوار کشورهای مشترک المنافع، می تواند به مناطق نا آرام آسیای مرکزی و قفقاز سرایت نماید.

«مطبوعات آزاد»- عراق هم تا چندی پیش خودش را چنین تصور می کرد. به ویژه آنکه این کشور قبل اشغال توسط امریکا، یکی از بازیگران عمده بازار جهانی نفت بود. در حال حاضر چه انتظاری می توان از این کشور داشت؟

– عراق امروز بزرگترین علامت سؤال در تجارت نفت به شمار می رود. با در نظر گرفتن ذخایر نفت، این کشور می تواند تولید آن را صد در صد افزایش دهد. آیا این کار را خواهد کرد؟ همه مسأله بسته به این است که می توانند در بخش تولید نفت این کشور امنیت پایدار برقرار سازند یا نه؟ به خصوص این که امریکا حضور نظامی خود در عراق را بشدت کاهش داده است.

«مطبوعات آزاد»- گفته می شود که امریکا همه نیروهای خود را از عراق خارج کرده است.

- بلی، اما در آنجا شمار زیادی از به اصطلاح نظامیان خصوصی باقی مانده است. فقط در حدود ۱۰ هزار مشاور نظامی هنوز در عراق هستند. و حقوق «سربازان خصوصی» که در واقع همان نیروهای ویژه به حساب می آیند، گویا از بودجه دولتی پرداخت نمی شود. طبق برآوردهای مختلف، شمار آنها از ۱۶ تا ۵۰ هزار تخمین زده می شود. و اینها همان آدمهائی هستند که باید استخراج منظم نفت عراق را سازماندهی نمایند. آیا از عهده این کار بر خواهند آمد یا نه، هیچ کس نمی داند.

«مطبوعات آزاد»- مگر ممکن است، مثلا به عنوان نمونه لیبیا، گفت که کشور بمباران شده توسط امریکا بتواند صادرات نفت خود را به سرعت به سطح قبل از جنگ برساند؟

- فکر می کنم که اکنون در لیبیا نفت به میزان ۶۰ درصد تا آغاز جنگ استخراج می شود. آنچه که به مسأله ترمیم مربوط می شود، این است که تجارت امریکا تحت حفاظت سربازان امریکائی خیلی سریع می تواند هر چاه از کار افتاده را دوباره راه اندازی کند. اما اگر لیبیائی ها و یا کسان دیگری بخواهند این کار را به نیروی خود انجام دهند، احتمالا یک سال طول خواهد کشید.

«مطبوعات آزاد»- اگر فرض کنیم که چاههای ایران هم بمباران خواهد شد...

- سؤال اصلی همین است. مسأله مستقیما با مقاومت ارتش ایران در مقابل تجاوز امریکا بستگی دارد. عراق، اگر فراموش نکرده اید، بی جنگ تسلیم شد. هنوز تسلیم ارتشیان عراق به پایان نرسیده بود که سربازان امریکائی کار فرونشاندن آتش چاههای سوزان را آغاز کردند. در ارتباط با ایران هم، هنوز معلوم نیست که امریکا می تواند این کار را حتی اگر بخواهد، انجام دهد!

<http://svpressa.ru/politic/article/52081>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/01/31>

۱۱ بهمن ۱۳۹۰